



نقص ریه در
بسیاری از این
کارگران، یادگاری
از روزهای کار و
تلاش است. این
کارگران را ببینیم
و از یاد نبریم که
زمان هیچگاه برای
دیدن شان بی موقع
نیست و همیشه
باید به راهی فکر
کرد که آسانتر
به آسایش آنها
می رسد

هپیو در آتش!

تازه وقتی بازنشسته می شوند به دلیل مشکلات حاد و مزمن در ریه های شان به خاطر نفس کشیدن های مداوم در کنار آتش، مجالی برای صحبت کردن های بدون دردسر نمی یابند. فکرش را کنید حتی برای گفتن یک جمله باید هزار بار به هوا بروید و به زمین برسید تا نفس یاری تان کند و به کلمات تان امان بدهد. نقص ریه در بسیاری از این کارگران، یادگاری از روزهای کار و تلاش است. این کارگران را ببینیم و از یاد نبریم که هیچگاه زمان برای دیدن شان بی موقع نیست و همیشه باید به راهی

بگذارند اما این تصاویر به رغم باشکوه و قابل احترام بودن خیلی از اوقات نام شان با آنچه در ذهن ما می گذرد به معنای واقعی زندگی نمی رسند. برای همین امروز این عکس ها را می بینیم که فراموش نکنیم کارگرانی وجود دارند که یک عمر تلاش خود را در مجاورت گرمای سوزان آفتاب به انتها می رسانند اما همیشه وقتی از آنها می پرسیم زندگی را چگونه می بینی؟ لبخندی آرام روی صورت شان پا دراز می کند و با تعجب می پرسند: «زندگی!».

همیشه وجود دارند و همیشه می توان از عکس های آنان برای آگاهی از چرخش روزگار استفاده کرد اما همیشه نمی شود که یک مرتبه روبه روی این کارگران نشست و به زندگی آنها اندیشه کرد. البته اگر بتوان خیلی از اوقات روی حضور آدم ها و بودن شان نام زندگی گذاشت. برخی دوره ای را عبور می کنند، یعنی بزرگ می شوند، میانسال می شوند، سینه های شان می تپد تا به انتهای زندگی برسند و تصویری غرور آمیز از یک عمر تلاش و دوندگی برای تجربه نسل های آینده بر جای

آدم احساس می کند از بالا رها شده و در دنیایی از آتش فرود آمده است. همه جاداغ است. انگار آفتاب تمام بارش را روی تن ریخته گری ها و کارگاه های لوله سازی خالی کرده است. شاید بگویید چرا این عکس ها باید گزارش شوند و چگونه است که در اوج اخبار ریز و درشت که تن را فرسوده و خیال و جان را ناخوش می کنند، باید یک مرتبه نشست در کنار کارگران ریخته گری و یا از تلاش داغ کارگران برای بردن لوله ها گزارش تهیه کرد؟ درست می گوید اما فراموش می کنیم که اخبار شیرین و تلخ



هوشنگ هادی

عکاس اجتماعی - کارگری